

آداب حجگزاری در افغانستان

داد محمد امیری^۱

سید علی واعظزاده^۲

چکیده

حج یکی از مهم ترین عباداتی است که ابعاد مختلفی دارد. بُعد اجتماعی این فریضه الهی جایگاه ویژه‌ای در بین دیگر ابعاد دارد. هر سال شاهد هزاران زائر بیت الله هستیم که لبیک گویان در کنار هم و دوشادوش هم قرار می‌گیرند، باینکه رنگ و پوست و قومیت و نژاد دیگری دارند؛ اما همه یک خدا را می‌پرستند، امت یک پیامبرند، معتقد به یک کتاب‌اند، به سمت یک قبله نماز می‌خوانند و دوش به دوش هم برگرد یک محور می‌چرخند؛ این اتحاد و همدلی اگر تداوم یابد، جمعیت‌ها را فنشده و متراکم و قلب‌ها را به هم نزدیک می‌کند و در نتیجه یک نیروی قوی تولید می‌کند که باعث عظمت و شکوه اسلام و مسلمین خواهد شد. امروزه یکی از نیازهای اساسی ملت افغانستان همین انسجام و اتحاد بر اساس آموزه‌های مقدس اسلام است. از آنجاکه حاجیان از

۱. دانش پژوه دکترای تفسیر تطبیقی جامعة المصطفی العالمیه مشهد مقدس. (نویسنده مسئول)

dma1359@gmail.com / (۰۹۳۵۷۰۳۹۲۱۳)

۲. دانش پژوه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعة المصطفی العالمیه مشهد/ مقدس

Alivaez60@yahoo.com

احترام خاصی بین مردم افغانستان برخورداراند، می‌توانند نقش مهمی در ایجاد اتحاد و همدلی داشته باشند. توجه زائران خانه خدا به آدابی که در منابع مذهب حنفی و مذهب شیعه (دو مذهب رسمی افغانستان) ذکر شده، زمینه را برای استفاده بهتر از این فرصت معنوی فراهم می‌کند و بینش و نگرش انسان را بر اساس آموزه‌های دینی می‌سازد. بر همین اساس نگارنده با روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از منابع مذهب حنفی و مذهب شیعه، هشت ادب: توجه به جایگاه حج و عمره، تصمیم بر تحول درون، پاک‌سازی جسم و روح، اظهار خضوع در برابر کبریاء، پاسخ مثبت، به دعوت خدا، تلاش برای صفای دل، پیوندی قلبی با حبیب خدا و حفظ دستاوردهای حج را به عنوان آداب حج را تحلیل نموده و نقش آن را در پرورش زائرانی که مروج وحدت، همدلی و اتحاد اسلامی باشد، را بررسی نموده است.

کلیدواژه‌ها: آداب، حج، حاجی، شیعه، حنفی، افغانستان.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عباداتی که در اسلام تشریح شده، حج است. خداوند سبحان هر مسلمانی را که استطاعت حج پیدا کند، موظف نموده که با رها شدن از همه قیدوبندها و پیوندهای زندگی در این نمایش عظیم شرکت کند. این فریضه الهی آثار و برکات فراوانی دارد که مایه عظمت اسلام، تقویت دین، اتحاد و انسجام مسلمانان است. سیل عظیم و خروشان از مسلمین که هر سال در مراسم حج می‌درخشند، پشت دشمنان را می‌لرزاند و هر سال خون تازه‌ای در عروق مسلمانان جاری می‌سازد. این جمله نیز از دشمنان اسلام معروف است که می‌گویند: «مادام که حج رونق دارد ما بر آنها پیروز نمی‌شویم». یکی دیگر از دانشمندان می‌گوید: «وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را درنیابند و وای به حال دیگران اگر معنی آن را دریابند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۸) بنابراین، همان‌گونه که مخالفان اسلام و مسلمین به اهمیت این فریضه الهی پی برده‌اند، مسلمانان باید با نگاه دقیق‌تر وارد عمل شده و به ابعاد مختلف مناسک

حج توجه نمایند تا شاهد آثار عملی آن در جامعه اسلامی باشیم. یکی از آثار مهم حج برقراری وحدت و همدلی میان مسلمانان است و در حقیقت مراسم حج و خانه خدا و قبله مشترک پیونددهنده مسلمانان به یکدیگر و بهترین وسیله وحدت بین آنان است. روح عبادت، توجه به خدا و توجه به خلق خدا، یکرنگی و یکسان بودن پوشش، حرکت منظم و دسته‌جمعی و انجام اعمال و عبادات به‌سوی یک نقطه «قبله و خانه خدا» آن‌چنان به هم آمیخته‌اند که گویا مسلمانان اعضای یک پیکرند و در این میان دل‌های مسلمانان بیشتر از هر زمانی به یکدیگر نزدیک‌تر بوده و حج عامل بسیار مؤثری برای وحدت دل‌های مسلمانان از نژادها و طبقات مختلف است. حج تعصب‌های ملی، قومی و نژادپرستی را شکسته و محدودیت مرزهای جغرافیایی را طی کرده و هر ساله مسلمانان در کنار هم در یک محل و با اعمالی مشترک گرد هم می‌آیند و با شعارها و انجام مراسم عبادی و سیاسی به ریسمان الهی چنگ می‌زنند و از اجتماع عظیم حج بهره‌های فراوانی را می‌برند.

افغانستان کشوری است که اقوام مختلف با باورها، افکار و اندیشه‌های متفاوت در آن سکونت دارند؛ از این رو، لازم است، برنامه‌های اجرایی و گام‌های عملی برای تحکیم روحیه برادری و زندگی مسالمت‌آمیز در کنار هم برداشته شود. یکی از اقبال مهم افغانستان که در این راستا نقش ویژه‌ای دارد؛ زائران خانه خدا است که پس از ادای مناسک حج به وطن برمی‌گردند. این افراد با عنوان «حاجی صاحب» احترام خاصی نزد مردم دارند. با توجه به این جایگاه، اگر حاجیان به آداب حج که هم در منابع حنفی و هم در منابع شیعه ذکر شده توجه کنند و با معرفت و توجه به این آداب، مناسک را انجام دهند، یقیناً بینش آنان تغییر کرده و بر اساس مبانی قرآنی شکل خواهد گرفت. این بینش و تحول درونی می‌تواند دستاورد مهمی باشد که هنگام بازگشت به وطن، با آن اتحاد و همدلی در محله خود ایجاد کند. لازم است به این نکته اشاره شود که تحلیل و بررسی آداب حج که هم در منابع مذهب حنفی و هم در منابع شیعه ذکر شده در یک یا چند مقاله نمی‌گنجد؛ بلکه جمع‌آوری، تحلیل، بررسی، نحوه به‌کارگیری و توجه به

آثار آن چندین جلد کتاب می شود که اهمیت ویژه ای هم دارد. نگارنده در این پژوهش به عنوان نمونه هشت مورد از آداب حج را بر اساس منابع حنفی و شیعه (که دو مذهب رایج و رسمی افغانستان است) بررسی نموده است.

دانشمندان افغانی در دوره های مختلف آثار مهمی درباره حج نگاشته اند. به عنوان مثال می توان به کتاب «فضل مکه علی سائر البقاع» نوشته ابوزید احمد بن سهل بلخی (۳۲۲ ق) و کتاب «الاعلام بفضائل بیت الله الحرام» نوشته ملاعلی بن سلطان محمد هروی قاری (۱۰۱۴ ق) اشاره نمود. از آثاری که به زبان فارسی نوشته شده می توان به سفرنامه ناصر خسرو بلخی (م. ۴۸۱ ق.) اشاره نمود که از نخستین سفرنامه های فارسی به شمار می رود. همچنین ابوالمجد سنایی غزنوی (م. ۵۴۵ ق.) در جای جای دیوان اشعارش درباره مقام والای کعبه و اهمیت مراسم حج و لزوم آن و توجه به ذات احدیت و داشتن اخلاص در انجام فریضه حج اشاره کرده است. عبدالرحمن جامی هروی نیز در سال ۸۷۷ ق به حج مشرف شد و رساله ای در زمینه حج نگاشت. وی در کتاب «تحفة الاحرار» در ضمن ابیاتی به حج اشاره دارد. (ر.ک: <https://wikihaj.com>)

مفهوم شناسی

تعریف مفاهیم «آداب»، «حج» و همچنین نگاه اجمالی به «جایگاه حج در فرهنگ افغانستان» نخستین گام در این پژوهش به شمار می رود و پس از روشن شدن معنای این دو واژه ی اساسی، به نقش و کارکرد توجه به آداب حج می پردازیم.

آداب

آداب جمع ادب است. این واژه در لغت به معنای «رفتارها و گفتارهای شایسته» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۱)، «تأدیب و تنبیه» (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۹؛ بن منظور، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۶) و «علوم ادبی» به کار رفته است. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۱۰۸) این واژه در منابع اخلاقی و فقهی زیاد به چشم می خورد.

خواجه عبدالله انصاری درباره این واژه می‌نویسد: «ادب آن است که بنده در اثر شناختن ضرر و زیان تعدی از حدود الهی، حدّ میان غلو و جفا را حفظ کند.» (خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱ و ۱۵۲) همچنین دیلمی در کتاب ارشاد القلوب ادب را این‌گونه تعریف می‌کند: «حقیقت ادب، جمع شدن صفت‌های نیک و دور کردن صفات زشت است...» (دیلمی، ۱۳۷۷، ص ۳۷۳)

از بررسی کلمات فقیهان و کاربرد این واژه در فقه برمی‌آید که آداب، اعم از احکام لزومی و غیر لزومی است؛ یعنی علاوه بر مستحبات و مکروهات، واجبات و محرّمات را هم در برمی‌گیرد. در بیشتر کتاب‌ها و ابواب فقهی، عنوانی برای بیان آداب قرار داده شده است؛ مانند آداب نماز، روزه، حج، جهاد، اعتکاف، دعا، تجارت، قضاء، ازدواج، معاشرت، خوابیدن، سفر، زیارت، احتضار، تکفین، دفن و دیگر عناوینی که به فعل مکلف تعلق گرفته است؛ اما منظور ما از آداب در این مقاله حرمت یا وجوب نیست بلکه رفتارها و خصلت‌های شایسته‌ای است که فعل یا ترک آنها از دیدگاه شارع مقدّس، موجب حسن و کمال فعلی می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۱۰۸)

حج

«حج» در لغت به معنای «قصد» است. در اکثر کتاب‌ها و منابع لغت همین معنا را برای واژه «حج» ذکر شده است:

الْحَجُّ: كَثْرَةُ الْقَصْدِ إِلَى مَنْ يَعِظُّمُ (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۹)

أصل الْحَجِّ الْقَصْدُ. (ابن درید، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۶)

الحاء و الجیم أصولُ أربعة. فالأوّل القصد و کلّ قَصْدٍ حَجٌّ. (ابن فارس، ۱۴۰۴

ق، ج ۲، چ ۲۹)

أصل الْحَجِّ الْقَصْدُ لِلزِّيَارَةِ. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۱۸)

همان‌طور که در کلام لغویان دیده می‌شود، اکثر اهل لغت معنای واژه «حج» را

«قصد» دانسته‌اند. از آنجاکه محور این پژوهش بر اساس منابع فقهی مذهب حنفی و مذهب شیعه است؛ لذا تعریف اصطلاحی حج را در منابع فقهی این دو مذهب بررسی می‌کنیم:

الف. فقه حنفی

۱. فالحج فريضة ثبتت فرضيته بالكتاب والسنة واجماع الأمة والمعقول. (الكاساني الحنفی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ۱۱۸)
۲. وهو في اللغة...القصْد إلى معظم لا مطلق القصد وفي الفقه ما هو زيارة مكان مخصوص في زمان مخصوص بفعل مخصوص والمراد بالزيارة الطواف والوقوف، والمراد بالمكان المخصوص البيت الشريف والجبل المسمى بعرفات، والمراد بالزمان المخصوص في الطواف من طلوع الفجر يوم النحر إلى آخر العمر. (ابن نجيم، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۵۳۷)
۳. الحج هو بفتح الحاء وكسرها لغة القصد إلى معظم لا مطلق القصد وشرعا (زيارة) أي طواف ووقوف (مكان مخصوص) أي الكعبة وعرفة (في زمن مخصوص) في الطواف من فجر النحر إلى آخر العمر. (الحصنكي، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۴۹۹)

ب. فقه شیعه

- «الحج في اللغة هو القصد وفي الشريعة كذلك إلا أنه اختص بقصد البيت الحرام لأداء مناسك مخصوصة عنده متعلّقة بزمان مخصوص». (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۹۶)
- «الحج لغة القصد وشرعاً القصد إلى بيت الله بمكّة مع أداء مناسك مخصوصة عنده». (حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۹۷)
- «فإذن الأسلم أن يقال: الحجّ اسم لمجموع المناسك المؤدّات في المشاعر المخصوصة». «شرايع، ص ۵۵؛ المعتمر، ج ۲، ص ۷۴۵». (حلی، ۱۴۰۸ ق، ص ۵۵؛ حلی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۷۴۵)

بر این اساس حج در لغت، به معنای قصد است. این واژه در ابتدا به هر قصدی اطلاق می‌شده است، اما در دوره اسلام از مطلق قصد خارج شده و به قصد بیت‌الله الحرام برای انجام دادن مناسک اختصاص یافته است؛ چنان‌که شیخ طوسی در این باره می‌نویسد: «حج در زبان عربی، به معنای قصد است و در شریعت نیز

به همان معناست و اما اختصاص دارد به قصد خانه خدا به منظور ادای مناسک مخصوص، در زمان معلوم». (شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۹۶) ابن نجیم هم به همین معنا اشاره نموده است. (ابن نجیم، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۵۳۷) بنابراین حجی که در آیات قرآن کریم و روایات به کار رفته، بر اساس استنباط فقهای شیعه و مذهب حنفی، مجموعه مناسکی است که در مکان خاص، زمان خاص و به شکل خاص صورت می‌گیرد.

مذاهب افغانستان

افغانستان یکی از کشورهای اسلامی است که در جنوب غربی آسیا قرار دارد. این کشور از شمال با تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، از شمال شرق با چین، از شرق و جنوب با پاکستان و در غرب با ایران همسایه است. (database-aryana-encyclopaedia.blogspot.com)

اسلام دین رسمی افغانستان است که در ماده دوم قانون اساسی ثبت شده است. (سایت وزارت عدلیه افغانستان: moj.gov.af/dr) در ماده بعدی آمده که «در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین اسلام باشد». (همان) مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است. (همان) دین مردم افغانستان پیش از ظهور اسلام، بودائی و نیز زرتشتی بوده است. اکنون پیروان مذهب حنفی در اکثریت و پیروان مذهب شیعه در اقلیت هستند. همچنین پیروان گروه‌های صوفی و نیز عقاید سلفیه در این کشور وجود دارند؛ اما آمارهای دقیقی درباره تعداد پیروان ادیان و مذاهب مختلف در افغانستان وجود ندارد. بیشتر شیعیان افغانستان، معتقد به مذهب شیعه امامیه هستند. شیعیان اسماعیلی نیز در مناطقی از افغانستان حضور دارند. اکثریت شیعیان افغانستان از قوم هزاره هستند. قزلباش‌ها، سادات و گروه‌هایی از هراتی‌ها، تاجیک‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها و پشتون‌ها، دیگر اقوام و طوایف شیعه افغانستان را تشکیل می‌دهند. (بختیاری، ۱۳۸۵، ص ۶)

حج در فرهنگ افغانستان

حج نزد مسلمانان افغانستان جایگاه ویژه‌ای دارد؛ افرادی که توفیق این عمل معنوی را می‌یابند، کم‌کم آمادگی روحی لازم را به دست می‌آورند؛ بدین معنی که برای انجام دیگر واجبات به‌ویژه ادای نمازهای روزانه و پرداخت وجوهات شرعی، دقت بیشتر می‌ورزند و با خانواده و زیردستان و همکاران و همسایگان رفتار نیک و اخلاق پسندیده‌تر از گذشته در پیش می‌گیرند و به دیدار بستگان رفته، از دوستان و آشنایان حالیت می‌طلبند. در آستانه سفر حج، نزد روحانی و ملای محل می‌روند و وجوهات شرعیه خود را حسابرسی می‌کنند و بیش از هر وقت به توبه و انابه اهتمام می‌ورزند. در شماری از نقاط افغانستان، اقوام و دوستان حاجی، او و خانواده‌اش را برای شام یا نهار دعوت می‌نمایند و به‌صورت ویژه خداحافظی می‌کنند. (<http://hajj.ir>)

حاجی هنگام بازگشت از سفر معنوی حج، برای بیشتر استقبال‌کنندگان تسبیح و آب زمزم سوغات می‌آورد و لباس و کلاه سفید می‌پوشد. حجاج پس از دستیابی به توفیق حج، خود را مکلف می‌دانند که اخلاق و آداب مذهبی را بیش‌ازپیش رعایت کنند؛ چراکه انتظار مردم از آنان بیشتر می‌شود و بر نفوذ اجتماعی‌شان افزوده می‌شود؛ به‌طوری‌که با لقب و عنوان «حاجی صاحب» شناخته می‌شوند. (همان)

آداب حجگزاری

اولین ادب: انتخاب هدف و انگیزه پاک

حج و عمره جایگاه مهمی در منابع دینی دارد که توجه به آن می‌تواند زائر را برای یک سفر معنوی آماده کند.

فضیلت حج در قرآن

حج، در قرآن کریم از جایگاه ارزشمندی برخوردار است، آیات متعددی درباره حج، در قرآن آمده است؛ که بیشتر این آیات در سوره‌های حج، بقره، آل عمران و مائده

است. به عنوان مثال خداوند متعال در سوره مبارکه بقره درباره اهمیت و جایگاه حج و حاجی می فرماید: ﴿وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾؛ (بقره: ۱۲۵) ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان (نماز گزاران) پاک و پاکیزه کنند. «همچنین در سوره مبارکه حج، این فریضه الهی «شعائر الله» دانسته شده است: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ (حج/۳۲) این است [برنامه های حج و حدود و مقررات خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ شمارد، بدون تردید این بزرگ شمردن ناشی از تقوای دل هاست.»

فضیلت حج در سنت

الف. منابع روایی اهل سنت

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ حَجَّ هَذَا الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَا يَفْسُقْ رَجَعَ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»؛ (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۱) کسی که این خانه (کعبه) را زیارت کند در حالی که مرتکب عمل منافی باعفت و فسق نشود، از گناه پاک می شود مانند روزی که از مادر متولد شده است.»

۲. «سُئِلَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَى الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: إِيمَانُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، قِيلَ: ثُمَّ مَاذَا؟ قَالَ: جِهَادٌ مَبْرُورٌ؛ (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۸۲) از رسول خدا سؤال شد بهترین عمل چیست؟ فرمود ایمان به خدا و رسولش، پرسیده شد بعد از آن؟ حضرت فرمود: جهاد در راه خدا؛ پرسیده شد بعد از آن؟ حضرت فرمود: حج مبرور و شایسته.»

۳. «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا ثُمَّ مَاتَ أُجْرِي لَهُ أَجْرَ الْحَاجِّ وَالْمُعْتَمِرِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ مَاتَ فِي إِحْدَى الْحَرَمَيْنِ لَمْ يُعْرَضْ وَلَمْ يُحَاسَبْ وَقِيلَ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ»؛ (خطیب تبریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱)؛ کسی که به قصد حج یا عمره از خانه خارج شود؛ سپس بمیرد، اجر حاجی و عمره گزار تا قیامت به او داده می شود و کسی که در یکی از حرمین بمیرد مورد محاسبه قرار نمی گیرد و به او گفته می شود

داخل بهشت شود.»

۴. «حَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ لَيْسَ لَهَا ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ (دارمی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۱۲۹؛ خطیب تبریزی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۲)؛ برای حج مقبول و شایسته پاداشی جز بهشت نیست.»

ب. فضیلت حج در منابع روایی شیعه

۱. «سُئِلَ أَى الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ فَقَالَ حَجٌّ مَبْرُورٌ؛ (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۴۱۵)؛ از پیامبر اکرم (ص) سؤال شد بهترین اعمال چیست؟ حضرت فرمود: حج صحیح و نیکو.»

۲. «قال على عليه السلام: الله الله في بيت ربكم لا تخلوه ما بقيتم فإنه إن ترك لم تتأظروا؛ (شريف الرضى، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۲۲)؛ خدا را! درباره خانه پروردگارتان در نظر داشته باشید تا هستيد، آن را خالی نگذاريد؛ زیرا اگر حج متروک شود نظر رحمت خدا از شما قطع خواهد شد.»

۳. «عن الرضا عليه السلام قال: قال ما رأيت شيئاً أسرع غنى ولا أنفى للفقير من إيمان حج هذا البيت؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴، ص ۳۱۸)؛ از امام رضا عليه السلام نقل شده که فرمود: هیچ چیزی را بیشتر از حج مداوم، در بی نیازی و فقر زدائی مؤثر ندیدم.»

۴. «قال الباقر عليه السلام: من نظر إلى الكعبة لم يزل يكتب له حسنة ويمحى عنه سيئة حتى يصرف بصره عنها. (همان، ج ۹۶، ص ۶۵)؛ امام باقر - عليه السلام - فرمود: هر کس به کعبه نگاه کند. تا وقتی به آن می نگرد مدام کار نیک برایش نوشته می شود و گناهش پاک می شود تا وقتی دیده از آن برگرداند.»

چنانکه در آیات قرآن کریم و روایات مشاهده می شود، حج جایگاه ویژه ای در بین عبادات دارد و می توان گفت یکی از مهم ترین عباداتی است که در اسلام تشریح شده و دارای آثار و برکات فراوانی برای آن ذکر شده است. کسی که قصد خانه خدا کرده در حقیقت می خواهد به عنوان میهمان بر خدا وارد شود و این خداوند است که حجگزار را میزبانی می کند، زائر در این میهمانی بر سفره گسترده الهی می نشیند و با غذاهای آسمانی تغذیه می شود. میهمان، میزبان را می بیند و به دیدار او می رود.

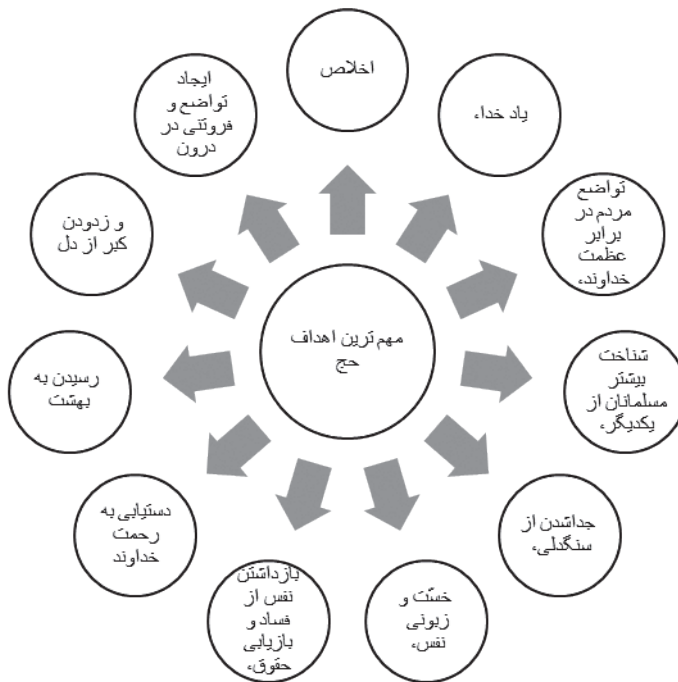
خداوند کرامت‌ها و هدایای خود را به او ارزانی می‌دارد؛ بهره این میهمانی خدا بهشت است. (فعالی، ۱۳۸۸، ص ۲۰) با توجه به اهمیت و جایگاه این فریضه الهی، کسی که قصد انجام زیارت خانه خدا را دارد؛ ابتدا باید با هدف و انگیزه‌ای الهی این سفر معنوی را شروع کند تا بتواند به دستاوردهایی که در منابع دینی برای حاجی ذکر شده، دست یابد. امام صادق علیه‌السلام در رابطه با اهمیت هدف و انگیزه‌ای الهی در حج فرمود:

«الْحَجُّ حَجَّانِ: حَجٌّ لِلَّهِ وَ حَجٌّ لِلنَّاسِ، فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ، وَ مَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۰۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶، ج ۷۴، ص ۱۶) حج دو نوع است: ۱. حج برای خدا ۲. حج برای مردم، پس کسی که برای خدا حج گزارد، از خداوند پاداش بهشت می‌گیرد و کسی که برای مردم حج به‌جای آورد، پاداش آن در روز قیامت با مردم است.»

بنابراین، از مهم‌ترین آداب حج انتخاب هدف و انگیزه پاک و درست در این مسیر است و این سفر معنوی باید با هدف و انگیزه الهی، تحول روحی و اخلاقی و پالایش روح و جان صورت گیرد. کسی که عازم خانه خدا است؛ باید سعی کند نیت خود را از هرگونه فخر، ریا، تجارت و... پاک نماید و خود را برای حج خالص گرداند. (نقشبندی مجددی، ۱۳۸۸، ص ۴۶) از طرفی این نیت ارزشمند را باید با اعمال و رفتار خود منطبق سازد و در نتیجه در حرمین شریفین پیوسته به نماز و دعا و عبادت و تفکر پردازد، از لحظه‌لحظه سفر بهره‌گیری کند. رسول اکرم (ص) با اشاره به هدف‌های نادرست، حاجیان امت خود در آخرالزمان را به سه دسته تقسیم فرموده است: «رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نُزْهَةً وَ حَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً وَ حَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً؛ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۶۳) زمانی بر مردم می‌آید که حج فرمانروایان به جهت تفریح و حج ثروتمندان برای تجارت و حج فقیران برای گدایی است.»

طبیعی است که هیچ‌یک از این سه دسته، بهره و نصیب معنوی از این سفر نخواهند

داشت. از این رو، حاجیان پیش از سفر، باید هدف و انگیزه خود را مشخص کنند؛ (نمودار ۱) (شفیع، ۱۳۸۸، ص ۱۲؛ فعالی، ۱۳۸۶، ص، ۱۹) سپس در راستای همان اهداف در نظر گرفته شده، برنامه‌ریزی نموده، سفر را آغاز نمایند.



(نمودار ۱)

چه زیباست که انسان در همین قدم اول با خدای خود خلوت کند، از معصیت‌های گذشته توبه کند و با تصمیم قاطع از تمامی گناهان و جرم‌ها دوری گزیند، حقوق دیگران را جبران کند، حق الله را ادا کند؛ همچنین اگر دل کسی را آزوده از او حلالیت بطلبد. هزینه سفر و زاد و توشه خود را از مال حلال به دست آورده باشد. (نقشبندی، ۱۳۸۸، ص ۴۶) افرادی که اموالشان را از راه حرام به دست آورده‌اند، باید پیش از سفر، دارایی خود را پاک کنند، خمس، زکات، ردّ مظالم و دیگر حقوق مردم را به صاحبان

اصلی آن پیردازند، سپس لباس احرام بپوشند و الا، لذت معنوی حج را هرگز نخواهد چشید؛ گرچه به صورت ظاهر جسم آنان در چنین اماکن مقدسی در گردش باشد. (فعالی، ۱۳۸۶، ص، ۳۱) چراکه تقوا شرط قبولی هر عمل است: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ (مائده/۲۷) و عبادتی که مقدمات آن، از حلال تهیه نشده باشد، از «تقوا» تهی است و با چنین عملی «تقرب» حاصل نمی‌شود. (حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۸۷ ص ۹۰)

دومین ادب: تصمیم بر تحول درون

هنگامی که انسان قدم در سرزمین وحی می‌گذارد، خود را در محضر خدای سبحان می‌بیند و لحظه‌ای است که باید تصمیم محکمی برای تحول درون بگیرد؛ چراکه این لحظه، لحظه تحول است و لحظه آن فرا رسیده که حاجی، انسانی دگر شود؛ لحظه تحقق تحولی عظیم است. اگر قصد تحول درونی داریم جای آن همین جا است، در اینجا باید قصد دگرگونی داشت، انسانی متحول شد، از خود انسانی جدید بسازیم، از غفلت‌ها و نسیان‌ها کاست و بر عشق‌ها، خلوص‌ها و حضورها افزود. در اولین قدم باید نیت نمود و در این مسیر سخت از خداوند آسان شدن راه و پذیرش عبادات پیش رو را درخواست کنیم، در منابع فقهی حنفی ادعیه ذیل برای نیت نقل شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ وَالْحَجَّ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي.. (السرخسی، بی تا، ج ۴ ص ۴؛ الکاسانی

الحنفی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲ ص ۱۴۴؛ السمرقندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۲۵)

آری در این مسیر سخت باید آسانی و پذیرش اعمال را از خداوند متعال طلب

کنیم؛ چنانکه سرخسی در المبسوط می‌نویسد:

«فِيطلب التيسير من الله تعالى إذ لا يتيسر للعبد الا ما يسره الله تعالى ويسأل القبول كما فعله الخليل وإسماعيل صلوات الله عليهما في قولهما ﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾» (السرخسی، بی تا، ج ۴ ص ۴) حاجی از خداوند متعال آسانی را طلب می کند زیرا تنها خداوند است که امور را برای بنده اش آسان می کند. همچنین حاجی از خداوند قبولی عبادات و مناسک را طلب می کند همان طور که ابراهیم خلیل علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام این درخواست را داشتند: ربنا تقبل منا انك أنت السميع العليم.

بنابراین با نیت و دعا پیمان تحول با خدا می بندیم. امام سجاد علیه السلام با اشاره به این مطلب که نیت احرام، عقد با خدا و بریدن از ماسواست می فرماید: «فَحِينَ عَقَدْتَ الْحَجَّ نَوَيْتَ أَنْكَ قَدْ حَلَلْتَ كُلَّ عَقْدٍ لِغَيْرِ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا»، قَالَ لَهُ (ع) مَا تَنْظُفُتَ وَلَا أُحْرَمْتَ وَلَا عَقَدْتَ الْحَجَّ (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۰، ص ۱۶۷)؛ «پرسید: وقتی نیت حج کردی آیا نیت کردی که هر پیوندی با غیر خدا را رها کنی؟ گفت: نه. امام فرمود: پس (در حقیقت) نه نظافت و پاکی را انجام دادی، نه احرام بستنی و نه قصد حج نمودی!»

زائر نباید به کندن لباس ظاهر اکتفاء کند؛ بلکه از همین مکان مقدس تصمیم قاطع کندن لباس معصیت داشته باشد؛ چراکه گناهان پای انسان را به زمین می بندند و به او اجازه حرکت و تعالی نمی دهند. وابستگی ها و دلبستگی ها جرم می آورند و مجرم، مُحْرَم نمی گردد. میقات، نوید ترک معصیت است، میقات مژده احرام واقعی است، حضور در میقات، حضور در محضر موجودی است که می بیند. در حضور او انسان باید عهد و پیمانی ببندد تا اوصاف حیوانی را رها کند، پا جای پای شیطان نگذارد، انسانیت در او تقویت شود و زحمات انبیا را قدرشناس باشد. (فعالی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۱)

سومین ادب: پاکی جسم و روح

از آداب احرام غسل است. (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۶۶؛ الکاسانی الحنفی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۴۳) هنگام غسل احرام زائر باید توجه داشته باشد که

مهم‌تر از پاکی جسم پاکی روح و خروج از گناه و کندن ریشه‌های معصیت است؛ چنان‌که در حدیث شبلی امام سجاد علیه السلام فرمود: «فَحِينَ اغْتَسَلْتَ، نَوَيْتَ أَنَّكَ اغْتَسَلْتَ مِنَ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَمَا نَزَلَتْ الْمِيقَاتُ» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۰، ص ۱۶۷)؛ «آیا هنگامی که غسل نمودی، نیت کردی که خود را از خطاها و گناهان شست و شو دهی؟ گفت: نه. فرمود: پس در میقات فرود نیامده‌ای.»

بنابراین زائر جهت رعایت یک ادب نیک، هنگام غسل احرام، لازم است قصد پاکی درون و طهارت باطنی، کند تا برای احرام بستن پاک باشد؛ و از خداوند متعال بخواهد طهارت و پاکی جانش را گیرد. اعمالی که حاجی و عمره‌گزار می‌خواهد انجام دهد، باید همراه با پاکی و صفای درونی باشد، او می‌خواهد مظهر نام «القدوس» خداوند سبحان شود. ورود به این اسم با غسل امکان‌پذیر است و بدون آن، صفت طهارت برای زائر تحقق نمی‌یابد. زائر بعد از غسل باید با کندن لباس‌های معمولی لباس احرام بپوشد. سفیدی لباس احرام نشان‌دهنده رنگ باختن تمامی رنگ‌هاست. بی‌رنگی نماد پاکی، طهارت، سادگی و صداقت است. زائر خانه خدا، رنگ خدایی دارد: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾ (بقره/۱۳۸) و در این لباس مقدس، نام، نشان، شهرت، مقام و ثروت جایگاهی ندارد. (فعالی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸)

چهارمین ادب: اظهار خضوع در برابر کبریا

هنگامی که زائر در میقات به قصد پاکی ظاهر و طهارت درون غسل انجام داد و لباس ظلمت و تاریکی از خود جدا کرد و لباس احرام عزت را پوشید؛ زمان آن فرا رسیده که با ادب و حضور قلب، در پیشگاه الهی دو رکعت نماز در پیشگاه الهی به جا آورد. (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص، ۶۵؛ سمرقندی ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۰۱) اینجاست که زائر با دلی پر از امید، دست به سوی آسمان بلند می‌کند و با دلی شکسته و چشمی گریان تمام دارایی خویش را که چیزی جز «نداری» نیست تقدیم می‌کند و در برابر عظمت و کبریایی حق به ذلت و خضوع می‌افتد و با جامه سپید احرام، پاکی دل و نورانیت آخرت را طلب می‌کند. امام سجاد علیه السلام در اشاره به رعایت آداب نماز

احرام می فرماید: «فَحِينَ صَلَّيْتَ الرَّكْعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَقَرَّبْتَ إِلَى اللَّهِ بِخَيْرِ الْأَعْمَالِ مِنَ الصَّلَاةِ وَ أَكْبَرَ حَسَنَاتِ الْعِبَادِ، قَالَ: لَا» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۰، ص ۱۶۷)؛ «آن هنگام که نماز احرام می خواندی آیا نیت کردی که به وسیله نماز، که بهترین اعمال و برترین حسنات بندگان است، به خداوند نزدیک شوی و به او تقرّب جویی؟ شبلی گفت: نه». زائر خانه خدا در این هنگام که در محضر خداوند سبحان است، از این فرصت استفاده نماید و با خواندن نمازی با حضور قلب، پیوند خود را با خداوند مستحکم کند تا از این به بعد همه عباداتش با حضور قلب باشد.

پنجمین ادب: پاسخ مثبت به دعوت خدا

وقتی زائر در میقات قرار می گیرد و قصد بستن احرام می کند، «تلبیه» می گوید. بر اساس حدیث امام صادق علیه السلام زائر هنگام تلبیه این عبارت را می گوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ أَنْ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۳۳۵) سرخسی و ابن نجیم عبارت ذیل را به عنوان تلبیه نقل می کنند:

وبلغنا عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أنه كان يقول: لبّيك اللهم لبّيك لا شريك لك لبّيك إن الحمد والنعمه لك والمُلك لا شريك لك. (السرخسي، بی تا، ج ۴ ص ۱۸۷؛ ابن نجيم المصري، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۵۶۴)

بعد از اینکه زائران بیت الله شریف لباس احرام می پوشند و قصد حضور در درگاه خداوند متعال را دارند. خداوند آنها را صدا می زند، آنها را می خواند و برای آنها دعوت نامه ای ارسال می کند؛ لذا باید زائر توجه کامل داشته باشد و بداند که لبیک او در حقیقت پاسخ به دعوت خداست. تلبیه پاسخ مثبتی است که زائر به دعوت خدا می دهد. زائر به میهمانی خانه خدا آمده است و در میقات خود را برای میهمانی آماده و مهیا می سازد. حاجی در این مرحله حساس باید تصمیم قاطع بگیرد که با لبیک گفتن خود در برابر خدا، از مخالفت او اجتناب ورزد و شعله معصیت را در درون خود خاموش

کند، ریشه‌های آن را بخشکاند و به هوای نفسانی پاسخ ندهد. کسی که لیبک خدا می‌گوید باید تمامی معاصی، جرم‌ها و اشتباهات را مدّ نظر قرار دهد و قصد دوری از آنها کند. او باید تصمیمی محکم، استوار و سرنوشت‌ساز بگیرد، از گذشته زشت خود پشیمان شود و لیبک خود را نقطه عطف حیات خویش قرار دهد تا آینده‌ای روشن و نورانی در پیش داشته باشد. (فعالی، ۱۳۸۸، ص ۹۵)

ششمین ادب: تلاش برای صفای دل

یکی دیگر از اعمال حج و عمره سعی بین صفا مروه است؛ یعنی از کوه صفا به مروه برود و از مروه به صفا بازگردد. سعی میان صفا و مروه هفت مرتبه (شوط) است. (جناتی، بی تا، ص ۱۲۰) خداوند سبحان در قرآن صفا و مروه را از شعائر دانسته می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ (بقره/ ۱۵۸)؛ «صفا و مروه محل عبادت خداست.» رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشاره به فضیلت و آثار سعی بین صفا و مروه می‌فرماید: «الْحَاجُّ إِذَا سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۹) «حجگزار وقتی بین صفا و مروه سعی می‌کند، از گناهانش بیرون می‌رود.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۹)

با توجه به فضیلت سعی بین صفا و مروه، زائر باید توجه داشته باشد که بر اساس بیان رسول خدا، این عمل، صفای دل را به دنبال دارد، انسان را پاک می‌کند، گناهانش زایل می‌شود، سیاهی از قلب انسان زدوده می‌گردد و انوار الهی باطن زائر را فرامی‌گیرد. وقتی که باطن انسان پاک شود، درونش نورانی می‌شود. اگر کسی به این نور دسترسی پیدا کند، از شرک خلاصی یافته است و با خلق عالم به صلح می‌رسد و به یقین می‌داند که تمام موجودات ذکر خدا می‌گویند و تنها او را می‌پرستند. (فعالی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱) آیت‌الله جوادی آملی در تبیین حقیقت سعی بین صفا و مروه می‌نویسد: «سعی بین صفا و مروه، به سوی حق دویدن است؛ چنان‌که تردّد بین آن دو کوه به معنای بودن در حالتِ ممدوحِ بین خوف و رجاست. مؤمن همواره بین خوف و رجا به سر می‌برد، اگرچه

شدت و ضعف آن دو در مقاطع مختلف زندگی او، متفاوت است و این سر در سعی بین صفا و مروه جلوه‌گر است. سعی حج‌گزار و معتمر آنگاه که رو به جانب صفا دارد این است که خود را تصفیه کرده و از صفای الهی برخوردار شود و وقتی به سوی مروه می‌رود، سعی می‌کند تا مروّت و مردانگی به دست آورد؛ زیرا «مروه» رمز مروّت و مردانگی و «صفا» نشان تصفیه و تهذیب روح است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰) بنابراین، صفای باطنی که از این عمل به دست می‌آید، دستاورد بزرگی است که باید آن را با جان و دل حفظ کرد.

هفتمین ادب: پیوند قلبی با حبیب خدا

از دیگر آداب حج پیوند قلبی با حبیب خدا، رسول اکرم (ص) در شهر مدینه است. زیارت قبر نبی اکرم (ص) جایگاهی ویژه هم در منابع مذهب حنفی و هم در منابع مذهب شیعه دارد. فقها و علمای حنفی مانند سرخسی (۴۸۳ ق) در کتاب المبسوط (سرخسی، بی تا، ج ۲۴، ص ۱۰) شرنبلانی (۱۰۶۹ ق) نیز در کتاب «مراقی الفلاح» (شرنبلانی، ۱۴۲۵ ق، ج ۱، ص ۲۲۹) اصل زیارت قبور را جائز و مستحب دانسته‌اند. متقی هندی (۹۷۵ ق) در فضیلت زیارت قبر رسول اکرم (ص)، روایت «مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لَا يَعْمَدُهُ حَاجَةً إِلَّا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۲۵۶) را از پیامبر (ص) نقل می‌کند. علاوه بر ادعیه، زیارت‌نامه و آداب مخصوصی برای زیارت پیامبر در منابع مذهب حنفی نقل شده است. (ملاعلی القاری، بی تا، ص ۲۰۲)

در منابع شیعه هم زیارت قبر رسول اکرم (ص) اهمیت ویژه‌ای دارد که به دو روایت از کتاب اصول کافی اشاره می‌کنیم:

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. کسی که به

زیارت من آید روز قیامت من شفیع او هستم. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۴۸)

۲. سیدالشهدا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فضیلت زیارت ایشان سؤال

کرد پیامبر (ص) فرمود: «يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ

أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَىٰ أَنْ أَرُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

(همان) «پسرم، هر کس مرا زنده یا مرده زیارت کند یا پدرت یا برادرت یا خودت را

زیارت کند، بر من حق است که روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش برهانم.»

با توجه به این جایگاه و عظمتی که برای زیارت قبر رسول اکرم (ص) در روایات ذکر شده زائر باید از این فرصت کمال استفاده را ببرد و هرگاه به نزدیک مدینه رسید و چشمانش به دیوارهای شهر مدینه افتاد، باید متوجه باشد که مدینه شهری است که خداوند برای حبیب خود نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) انتخاب فرمود و هجرت او را به سوی این شهر قرار داد. مدینه شهری است که در آن فرایض و سنن الهی بنیان نهاده شد، زائر هر جا قدم می‌گذارد، جای پای رسول خداست. لذا باید معرفت خویش را به این وجود شریف تکمیل کند و عمل خویش را با هتک حرمت از بین نبرد. زائر در لحظات ملکوتی که در محضر رسول خدا است باید با حبیب خدا معامله حب و عشق کند، دیوارهای مسجد را باید بوسه زند، زمین آن را باید لمس کند، ظاهر و باطن خویش را باید با طهارت آن آراسته کند، با سکینه و وقار آهسته گام بردارد و گام‌های خویش را با حمد و تسبیح همراهی نماید، قلب خویش را به چیز دیگری مشغول ننماید و با قلب خاشع، چشم گریان و درک انتظار، ضمیر خویش را متوجه حضرتش نماید و با اضطرار به درگاهش پناه ببرد که به یقین این دست و این قلب خالی باز نمی‌گردند. (فعالی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹ و ۲۱۲)

خوشا به حال چنین کسی که به زیارت قبر آخرین فرستاده خدا، نور تمام انبیا و اشرف انسان‌ها رفته، مجاورت، رضایت و ضمانت او را دریافت کرده است. چنین شخصی نزد خدا منزلتی رفیع یافته، از هراس‌ها و شداید رهایی می‌یابد. گناهانش پاک شده، در روزی که کسی دادرس انسان نیست، او به فریادش می‌رسد؛ در نتیجه با دست پر به وطن بازمی‌گردد.

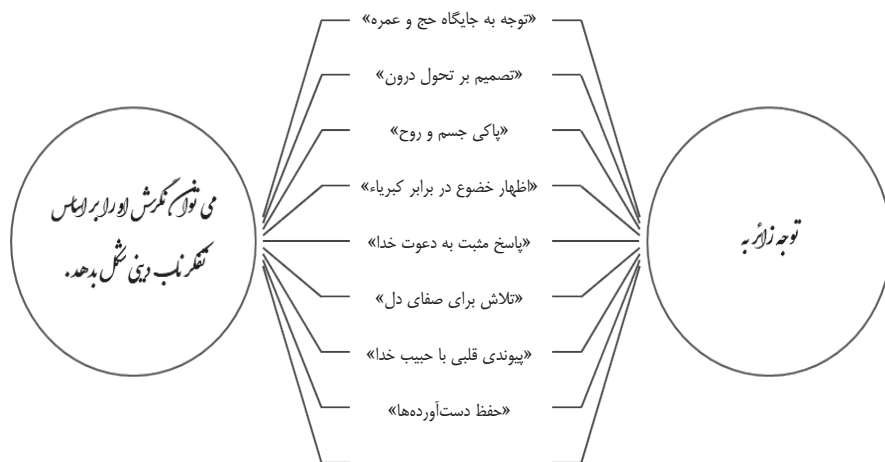
هشتمین ادب: حفظ دستاوردها

زائر خانه خدا هنگامی که مناسک حج را به اتمام رساند؛ باید توجه داشته باشد

که خداوند مهربان از میان چند میلیارد انسان، او را انتخاب نموده و توفیق گام نهادن در این سفر معنوی را نصیب او کرده است. او با کوله باری پر از معنویت به وطن برمی گردد در حالی که، نورانی شده و از تمامی گناهان پاک و مبرا شده است. او به میهمانی خدا رفته بود و با کوله باری از خوبی‌ها، نیکی‌ها و زیبایی‌ها بازمی‌گردد. حاجی اینک تولدی دوباره یافته، حیاتی مجدد پیدا کرده و انسانی دیگر شده است؛ بنابراین باید قدر و منزلت خویش را بشناسد. شکر خداوند را به جا آورد و با تمام وجود حالت معنوی را که به دست آورده حفظ کرده و آن را با گناه از دست ندهد؛ و همچنین در بازگشت به وطن، صورتی را که به خانه کعبه تبرک شده و گرد منا و عرفات و بقیع و مدینه را با خود دارد و دیگران می‌خواهند بدان تبرک جویند، از سیمای زائر خانه خدا خارج نسازد. همانا منور شدن به نور ایمان و اتصاف به سیرت صالحین است که برای حج‌گزار می‌ماند و در دنیا و قبر و برزخ و آخرت او را همراهی می‌کند. (رهبر، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷)

جمع بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله آداب «انتخاب هدف و انگیزه پاک»، «تصمیم بر تحول درون»، «پاکی جسم و روح»، «اظهار خضوع در برابر کبریاء»، «پاسخ مثبت به دعوت خدا»، «تلاش برای صفای دل»، «پیوندی قلبی با حبیب خدا»، «حفظ دستاوردها» بر اساس منابع مذهب حنفی و مذهب تشیع (دو مذهب رسمی افغانستان) بررسی گردید که به نظر می‌رسد که توجه دادن و تعلیم این آداب به زائران خانه خدا هنگامی که عازم این سفر معنوی هستند نقش مهمی در استفاده بهتر از مناسک حج دارد. توجه به این آداب می‌تواند در بینش زائر تغییر ایجاد کند و نگرش او بر اساس عظوفت دینی شکل بگیرد. (نمودار ۲) حاجیانی که این گونه از درس‌های معنوی حج بهره گرفته باشند؛ هنگامی که به افغانستان برگردند؛ نقش مهمی در ایجاد اخوت و وحدت اسلامی خواهند داشت.



(نمودار ۲)

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ق)، *عوالی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة*، ج ۱، قم: بی جا.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، ج ۲، قم، دار الشریف الرضی للنشر.
۴. ابن درید، محمد بن حسن (بی تا)، *جمهرة اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقائیس اللغة*، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ ق)، *سنن الحافظ أبی عبدالله محمد بن یزید القزوینی ابن ماجه*، ج ۱، بیروت، دار الجیل.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، *لسان العرب*، ج ۳، بیروت.
۸. ابن نجیم المصری الحنفی، زین الدین بن ابراهیم (۱۴۱۸ ق)، *البحر الرائق: شرح کنز الدقائق (فی فروع الحنفیة)*، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۹. افتخاری گلپایگانی، علی (۱۴۲۸ ق)، آراء المراجع فی الحج علی ضوء فتاوی الإمام الخمينی، چ ۲: تهران: مشعر.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ ق)، صحیح البخاری، چ ۱، قاهره، لجنة إحياء كتب السنة.
۱۱. بختیاری، محمد عزیز (۱۳۸۵)، شیعیان افغانستان، قم، شیعه شناسی.
۱۲. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۷ ق)، سنن الکبری، بیروت، دار الفکر.
۱۳. جناتی، محمد ابراهیم (بی تا)، حج از دیدگاه مذاهب اسلامی، مترجم: حسینعلی محمدی نژاد، چ ۱، تهران، مشعر.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، جرعه‌ای از صهبای حج، چ ۶، تهران، مشعر.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، چ ۱، قم، آل البيت علیهم السلام.
۱۶. حصفکی (۱۴۱۵ ق)، الدر المختار شرح تنویر الابصار، فی فقه مذهب الامام أبی حنیفة النعمان، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۷. خطیب تیریزی، محمد بن عبدالله (۱۳۸۹)، مشکوة المصابیح، بی جا، خواجه عبدالله انصاری.
۱۸. خواجه عبدالله انصاری (۱۳۷۹)، شرح منازل السائرین، شارح عبدالرزاق کاشانی، تهران، الزهرا (س).
۱۹. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن (۱۴۲۱ ق)، مسند الدارمی المعروف ب: (سنن الدارمی)، چ ۱، ریاض، دار المغنی.
۲۰. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۳۷۷) ارشاد القلوب، ترجمه عبدالحسین رضایی، تهران، اسلامیة.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چ ۱، بیروت، دارالقلم.
۲۲. رهبر، محمد تقی (۱۳۸۳)، اخلاق و آداب در حج و زیارت، چ ۹، تهران، مشعر.
۲۳. سرخسی، محمد بن أحمد (بی تا)، المبسوط، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع.
۲۴. سمرقندی، علاء الدین محمد (۱۴۰۵ ق) تحفة الفقهاء، چ ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۲۵. شرنبالالی الحنفی، حسن بن عمار (۱۴۲۵ ق)، *مراقی الفلاح شرح متن نور الإيضاح*، بی جا، مکتبه العصرية.
۲۶. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، *نهج البلاغة (للصبحی صالح)*، چ ۱، قم، هجرت.
۲۷. شفیع، محمد (۱۳۸۸)، *احکام حج* (در فقه حنفی) ترجمه غلام محمد سربازی، چ ۳، زاهدان، صدیقی.
۲۸. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، چ ۳، تهران.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، چ ۳، تهران، المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران.
۳۰. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷ ق)، *المعتبر فی شرح المختصر*، چ ۱، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
۳۱. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۸ ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چ ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳۲. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق)، *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، *کتاب العین*، چ ۲، قم، هجرت.
۳۴. فعالی، محمد تقی (۱۳۸۷)، *اسرار عرفانی حج*، چ ۱، تهران، مشعر.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد (بی تا) *المصباح المنیر*، چ ۲، قم.
۳۶. کاسانی حنفی، ابی بکر بن مسعود (۱۴۰۹ ق)، *بدائع الصنائع*، چ ۱، پاکستان، المکتبه الحبییة.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، چ ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۳۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ ق)، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار* (ط - بیروت) چ ۲، بیروت،

دار إحياء التراث العربی

۴۰. معاونت امور روحانیون، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت (۱۳۸۷)،
درسنامه پیش در آمدی بر فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، چ ۳، تهران، معاونت امور
روحانیون.

۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران، دار الکتب الإسلامية.

۴۲. ملا علی القاری (بی تا)، شرح مسند أبی حنیفة، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۴۳. نقشبندی مجددی، سیدعبدالله (۱۳۸۸)، احکام حج و عمره در مذهب حنفی، چ ۲،
تربت جام، خواجه عبدالله انصاری

۴۴. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ ۱،
قم، آل البيت عليهم السلام.

۴۵. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۶ ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم
السلام، چ ۱، قم، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

سایت‌ها

1. <http://database-aryana-encyclopaedia.blogspot.com/> D9/87/20
:/DA:/A9/D8/A7/D8/A8/D9/84
2. <http://hajj.ir/fa/86542>
3. <https://moj.gov.af/dr/;/D9/82/D8/A7/D9/86/D9/88/D9/86-/D8/A7/D8/B3/D8/A7/D8/B3/D9/8A-/D9/86/D8/A7/D9/81/D8/B0-/D8/A7/D9/81/D8/BA/D8/A7/D9/86/D8/B3/D8/AA/D8/A7/D9/86>
4. <https://wikihaj.com/view/;/D8/A7/D9/81/D8/BA/D8/A7/D9/86/D8/B3/D8/AA/D8/A7/D9/86>